

بررسی ویژگی‌های سکونت‌گاه‌های غیر رسمی

محمد رضا لیلیان^۱، آرین امیر خانی^۲، مهدیه عابدی^۳

۱. کارشناس ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه تربیت مدرس

۳. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت

E-mail: Leylian@modares.ac.ir

چکیده

ویژگی‌های توسعه ناموزون شهرهای بزرگ و نواحی اطراف آن‌ها در سال‌های اخیر، روستاهای درون شهری را نیز از آسیب مصون نداشته است. این بافت‌ها، جدا از ویژگی‌های خاص طبیعی، زیست محیطی شان، بخشی از میراث فرهنگی و کالبدی شهر را عرضه می‌دارند و منشأ هویت بسیاری از آنانی هستند که امروز در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. بدیهی است، بی توجهی به چنین بافت‌هایی موجب زوال تدریجی آنها از لحاظ اجتماعی و کالبدی خواهد شد و به همین جهت ضروری است، با عنایت به نیازهایی زمانی و مکانی بافت‌هایی از این دست، برنامه توسعه این بافت‌ها به گونه‌ای برخوردار از نیازها و ضرورت‌های زمانه پرداخته شود. بافت‌هایی مانند سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، به سبب ساختار پیچیده اجتماعی و کالبدی، پیچیدگی‌های متعددی را در سامان بخشی به توسعه آتی این محدوده‌ها فراهم می‌آورند. در پژوهش حاضر، تلاش شده است ضمن بررسی ساختارهای اسکان غیر رسمی، به ارائه راهکارهایی در ارتباط با بهینه سازی چهره و هویت معماری و شهر سازی آنها پرداخته شود. بر این اساس، اهداف عمومی در تدوین این پژوهش را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود: ۱. شناسایی استراتژی‌های توسعه و دستیابی به نظام سکونتی بهینه، ۲. شناسایی و بررسی معماری سکونت‌گاه‌ها و ارتباط آن با ویژگی‌های اجتماعی ساکنان ۳. ارائه راه‌کارهای مواجهه با اسکان غیر رسمی و جلوگیری از تداوم آن و در پایان نیز نتایج حاصل از بررسی یافته‌های پژوهش، بیان گردیده و راهکارهایی در راستای ارتقای کیفی این نتایج بیان گردیده است.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، هویت، بافت خودرو، سکونت‌گاه غیر رسمی.

۱. مقدمه

امروزه مسأله هویت در محافل اجتماعی، هنری و معماری مطرح بوده و از جانب متخصصان تمامی رشته‌ها مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. تمامی اندیشمندان، دلسوزانه در راستای برطرف کردن معضلات فرهنگی ایجاد شده، سعی در درمان درد دارند. نگاهی کوتاه به معماری موجود بافت‌ها و بدنه‌های شهری، معماری بی ریشه و معماری عوام‌گرا و پر زرق و برق را بیش از پیش در لایه‌ها و تصاویر ذهنی تداعی می‌کند. بناهایی که هر روز جواز ساخت گرفته و بر پیکره معماری همچون تومورهای سرطانی رشد می‌کنند. حاشیه‌نشینی، یکی از معضلات شهرهای بزرگ امروز است که در سال‌های اخیر، حاشیه‌ها، محل هجوم توسعه‌گران زمین برای تبدیل اراضی باغ‌ها و کشاورزی به کاربری‌های مسکونی و دیگر کاربری‌های زمین قرار شده است. مشاهدات محلی، نشانگر نابودی تدریجی باغ‌ها و بافت روستایی این محدوده‌ها می‌باشد. پیچیدگی ساختار فضایی بافت و مسایل عدیده کالبدی، فضایی و زیر ساختی، توجه پیش از پیش به این بافت‌ها و تنظیم برنامه توسعه برای آن را ضروری

می‌سازد. امری که در حد بضاعت، در این پژوهش، بدان پرداخته شده است.

۱-۱. روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات:

روش تحقیق در این پژوهش، روش تحقیق گذشته‌نگر (Retrospective Study) است که با واکاوی در پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه و به کارگیری ابزار تحقیق کتابخانه‌ای و روش‌های ترکیبی برای جمع‌آوری اطلاعات نتایج استخراج شده و در نهایت به ارائه راه‌کارهای لازم پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

۱-۲. مفهوم هویت

هویت به معنای تشخیص هستی، وجود و آن چه موجب شناسایی شخص باشد مانند شخصیت یا کیفیت، بیانگر ویژگی‌های هر فرد یا پدیده‌ای است. هویت شخصیت یا کیفیت هر چیز می‌تواند در سنجش با معیارهای خوب یا بد ارزیابی شود. بی‌هویت، بی‌شخصیت و بی‌کیفیت خواندن افراد یا پدیده‌ها اشتباه رایجی است که به جای بدهویت، بدشخصیت و بدکیفیت به کار می‌رود. هویت، وابسته ناگزیر هر چیزی است که وجود دارد. هویت پدیده‌ها در نظام‌های مختلف فکری با محک‌هایی متفاوت سنجیده می‌شود.

۲-۲. هویت در معماری

انسان همواره در پی گوهر و هویتی بوده تا به کیستی و چیستی خویش راه یابد و هنر و معماری بر آن است که این هویت را جان مایه خویش قرار دهد. دگرگونی نگرش انسان به جهان، دگرگونی هویت‌ها را در پی داشته است. انسان سنتی (مذهبی) جهان را برهه‌ای می‌دانست میان بودن ازلی و ماندن ابدی و هویت خویش را خارج از جهان مادی جستجو می‌کرد. انسان مدرن آمده بود تا خود و جهان را آن گونه که می‌خواست بسازد. ما صرفاً از این که ساختمان‌های مان را عملکردی بسازیم خشنود نمی‌شویم بلکه می‌خواهیم آن‌ها با معنا باشند. اما اصطلاح، معماری با معنا شامل چه چیزهایی است؟ معماری، به مثابه اثری هنری، واقعیت‌ها یا ارزش‌های برتری را معین می‌کند. معماری، بیانی بصری از ایده‌ها به دست می‌دهد، ایده‌هایی که چیزی را برای بشر معنادار می‌کنند، چرا که به واقعیت سامان می‌بخشند، صرفاً از طریق چنین نظمی و تنها توسط تشخیص وابستگی دو سوپه، چیزها با معنا می‌شوند. چنین ایده‌هایی احتمالاً اجتماعی، مسلکی، عملی، فلسفی یا مذهبی‌اند. عملکردگرایی آغازین، در واقع، عملکرد خالص را با گسترده کردن مفهوم فضا، تعالی می‌بخشید. در مجموع، هویت مکان به نحوی، به عناصر سه‌گانه محیط فیزیکی (فرم)، فعالیت (عملکرد) و معنا بر می‌گردد. سه عنصر مزبور غیر قابل تقلیل به یکدیگر بوده. اما به طور غیر قابل تفکیکی در فهم ما از مکان‌های مختلف به هم پیوند خورده‌اند سیمای فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی مواد خام هویت مکان هستند و دیالکتیک بین آن‌ها، روابط ساختاری این هویت است. توجه به هویت مکان از دیدگاه فوق و به عنوان محصول تعامل نقشه‌ی شناختی فعالیت اجتماعی و حالت‌های ظاهری (فرمال) نتیجه‌ی تحقیقات کوین لینچ در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی است. نوربرگ شولتز نیز در خصوص هویت مکان خاطر نشان می‌سازد: مکان‌ها لزوماً همان چیزی هستند که باید باشند و دخل و تصرف انسانی در آن‌ها، زمانی به خلق فضاهای قابل زندگی منجر می‌شود که حال و هوای حاکم بر فضا را تشخیص دهند و در راستای آن حرکت کنند [۱].

۳-۲. سابقه حاشیه نشینی و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی

حاشیه نشینی و تبلور آن در قالب گروه‌های نژادی، مذهبی و جز این‌ها ریشه در تاریخ دارد اما چنین پدیده‌ای به شکل امروزی آن ناشی از تغییر در روابط و مناسبات سنتی انسان‌ها است. در ریشه یابی حاشیه نشینی در مقیاس وسیع نیز باید به خاستگاه اصلی آن یعنی اروپا برگشت. از آغاز دوران انقلاب صنعتی به بعد اراضی زراعی به تیول صاحبان قدرت درآمد و به تبع

آن اقتصاد روستا مختل شد و روستاییان به فکر یافتن راه دیگری برای گذراندن زندگی خود افتادند. آنان ناگزیر راه شهرها را در پیش گرفتند. در آن زمان کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که ایجاد شده بودند به نیروی کار ساده متکی بودند. با کاهش دستمزدها، زنان و کودکان نیز به کار گرفته شدند و سرانجام وضعی پیش آمد که مردان، زنان و کودکان از سپیده صبح از روستا به شهرها روانه می‌شدند و تا دیرگاه در کارگاه‌ها کار می‌کردند و دوباره با پای پیاده به روستاهای خود بر می‌گشتند [۱].

از طرفی سکونت‌گاه غیر رسمی یا غیرقانونی، در واقع منطقه‌ای مسکونی است که بدون مطالبه قانونی برای دریافت زمین و یا اجازه از سوی مقامات ذی ربط برای ساختن خانه شکل گرفته است. سرویس‌ها و خدمات و تسهیلات زیربنایی در این شکل غیر قانونی ساخت و ساز نامناسب و ناکافی است [۲]. سه ویژگی اساسی که به درک سکونت‌گاه غیر رسمی کمک می‌کنند عبارتند از: ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و قانونی.

۱. ویژگی‌های کالبدی: سکونت‌گاه‌های غیر رسمی به دلیل همان غیرقانونی بودن شان، دارای سرویس‌ها و خدمات شهری ناکافی و زیرساختی در سطح بسیار پایین اند. این سرویس‌ها و تسهیلات زیربنایی عبارتند از: شبکه ارتباطی منابع آب و سامانه تخلیه فاضلاب، برق، جاده، مدارس، مراکز بهداشت و بازار و جز این‌ها. برای مثال در بسیاری از این محله‌های محروم شهر، آب لوله کشی وجود ندارد و ساکنان معمولاً به صورت دستی (با تلمبه) از آب استفاده می‌کنند. در بعضی از موارد نیز ساکنان از شبکه‌های غیر رسمی برای تأمین منابع آب، برق، و نظایر این‌ها استفاده می‌کنند و این شبکه‌های غیر رسمی وابستگی چندانی به کانال‌های مجاز و رسمی ندارند.

۲. ویژگی‌های اجتماعی: اغلب ساکنان سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، جزء طبقات پایین جامعه‌اند و درآمد چندانی هم ندارند. آن‌ها یا به صورت کارگر روزمزد و یا در بخش‌های غیررسمی کار می‌کنند و با وجود کار طاقت فرسا، حداقل دستمزد را می‌گیرند. گاهی بعضی از خانواده‌ها با کار در شغل‌های نیمه وقت سطح درآمد بالاتری پیدا می‌کنند. اغلب سکونت‌گاه‌های غیررسمی را مهاجران (از روستا یا از شهرهای کوچک) تشکیل می‌دهند و بعضی از آن‌ها نیز از نسل دوم یا سوم سکونت‌گاه‌های غیررسمی اند.

۳. ویژگی‌های قانونی: مهم‌ترین ویژگی‌بی که سکونت‌گاه غیر رسمی را از دیگر سکونت‌گاه‌ها متمایز می‌سازد این است که ساکنان این سکونت‌گاه‌ها فاقد مالکیت رسمی زمینی هستند که خانه خود را روی آن ساخته‌اند. این زمین می‌تواند جزو زمین‌های دولتی و عمومی خالی از سکنه باشد و یا جزو قطعات زمین حاشیه شهرها مانند زمین‌های باتلاقی و نامطلوب. بنابراین زمانی که زمین مولد نیست تا مورد استفاده صاحبان آن قرار گیرد برای سکونت‌گاه غیر رسمی مناسب می‌نماید.

۲-۴. سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و خودرو و دلایل پیدایش آن‌ها

تنوع فرم و عملکرد در نواحی حاشیه‌ی شهرها، این نواحی را به صورت محدوده‌های اقتصادی- اجتماعی نمایان می‌سازد که نمی‌توان آن‌ها را به سادگی و تنها با معیارهای صرفاً فضایی و کالبدی و یا معیارهای صرفاً اقتصادی و اجتماعی دسته بندی نمود. ورود به بحث نظریات و تئوری‌های مرتبط با سکونت‌گاه‌های خودرو، دریچه‌های بسیاری را از ابعاد گوناگون می‌گشاید. نظریه پردازان و محققین مختلف هر یک از ابعاد مختلفی به مسأله نگرسته‌اند. این ابعاد، طیف وسیعی از نگرش کلان به دلایل ایجاد این سکونت‌گاه‌ها تا پرداختن به مصادیق این امر را در بر می‌گیرند که هر یک در جای خود و در ترکیب با سایر ابعاد می‌توانند روشن کننده‌ی بسیاری از سئوالات مرتبط با سکونت‌گاه‌های خودرو باشند.

معمولاً برای حرکتی که منجر به مهاجرت شود عواملی را می‌توان ذکر کرد که عمده‌ترین آن‌ها، دو عامل اساسی گریزاننده و جذب کننده می‌باشد. گروه‌های مهاجر، بیشتر در اثر نیروی دافعه در روستا و در بعضی موارد عامل جذب کننده شهرها مهاجرت می‌کنند. زمانی که عامل پس ران شهری (هزینه سنگین زندگی) مختلف‌الجهت با دو نیروی پیشین، سدی بزرگ فرا روی مهاجرین به متن اصلی شهر قرار می‌دهد، هسته‌های اولیه تجمعات خودرو پی ریزی می‌شود. تودارو، معتقد است، اگر وجود اشتغال در شهرها و بیکاری در روستا دلیل مهاجرت است، چرا زمانی که بیکاری در شهرها بیداد می‌کند، هنوز مهاجرت ادامه دارد؟ مدلی که تودارو، ارائه می‌دهد چنین است که تصمیم به مهاجرت از روستا به شهر عملکرد دو متغیر

اصلی دفع و جذب است: ۱. تفاوت فاحش درآمد شهر و روستا. ۲. احتمال دستیابی به نوعی اشتغال در شهر. به نظر وی، مهاجرین در برابر انتخاب بیکاری در شهر و یا روستا، بیکاری در شهر را برمی‌گزینند چرا که در آینده شهر، چشم انداز روشن‌تری نسبت به روستا تصور می‌کنند [۳]. پیران، معتقد است که برای دریافت دلایل حاشیه نشینی و رسیدن به فضای تصمیم‌گیری در این مسأله لازم است که این دلایل را در سه سطح کلان، میان و خرده مورد توجه قرار دهیم. وی فضا و روابط بین‌المللی، شرایط تاریخی، ساختار اجتماعی- اقتصادی ایران و نظام شهری کشور و شهر مورد نظر را در سطح کلان مورد توجه قرار می‌دهد و در سطح میانه به منطقه و خصوصیات آن می‌پردازد و خلاصه برای رسیدن به فضای تصمیم‌گیری به مطالعه موردی، توجه می‌کند. آن چه از این بحث در بخش مورد توجه قرار خواهد گرفت مبحث سطح کلان می‌باشد، وی برای توجیه دلایل حاشیه نشینی در سطح کلان نظریات موجود را به دو گروه تفکیک می‌کند:

۱- نظریات لیبرالی در خصوص حاشیه نشینی که اساساً به ریشه‌های پیدایش مسأله توجه ندارد و به حل محلی موضوع

می‌پردازند.

۲- نظریات اقتصاد- سیاسی فضا که خود نیز از طرفداران این گروه می‌باشد. در این گروه نظریات به ریشه‌های ایجاد

حاشیه نشینی پرداخته می‌شود.

در این جا نظریات «پیران» در خصوص این دو دیدگاه به طور مختصر توضیح و مورد توجه قرار می‌گیرد:

الف) دیدگاه لیبرالی نظیر دیدگاه ترنر که اساساً به علل پیدایش سکونت‌گاه‌های غیر متعارف، مفاهیمی چون امپریالیسم، دولت‌های وابسته می‌گریزد. بدیهی است با نادیده گرفتن علل پیدایش سکونت‌گاه‌های غیر متعارف، مفاهیمی چون امپریالیسم، دولت‌های وابسته و وابستگی اقتصادی اهمیت خود را از دست می‌دهد. از انتقاداتی که بر، ترنر وارد می‌شود این است که تمرکز بر مسأله مسکن، سایر تقاضاهای اصلی فقرا نظیر پایان دادن به استثمار، اختلاف فاحش در سطح زندگی و فلاکت عمومی تهیدستان را نادیده می‌گیرد. برگس، معتقد است که پیشنهاد ترنر در نظام‌های سرمایه داری و شبه سرمایه داری غیر عملی خواهد بود. ترنر، معتقد است که تهیه مسکن یک فرآیند است و نباید تنها از نظر فیزیکی و زیباشناسی مورد توجه قرار گیرد، بلکه بایستی توجه کرد که مسکن برای ساکنین آن چه معنایی دارد. او مدعی است که مسکن را نمی‌توان توسط دولت یا شهرداری‌ها برای همه اقشار فراهم آورد. زیرا نیازها گوناگون است و نیازهای هر خانوار با دیگری متفاوت است. دولت‌ها بایستی امکان ساختن برای افراد را از طریق ارائه امکانات و خدماتی نظیر راه، آب آشامیدنی، برق و سایر امکانات بهداشتی فراهم آورند. نظریات لیبرالی از جمله نظریات ترنر در جهت‌گیری‌های بانک جهانی نسبت به مسکن تهیدستان مورد توجه قرار گرفت و برنامه‌هایی نظیر آماده سازی زمین در دهه‌های هفتاد و هشتاد، نمونه‌هایی از عمل به این گونه نظرات است.

ب) دیدگاه دیگری که در نگرش به مسأله بد مسکنی یا مسکن تهیدستان شهری حاکم است دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا است. در این دیدگاه که خود طیف وسیعی را شامل می‌شود به علل پیدایش سکونت‌گاه‌های مختلف می‌پردازند و سعی در این است که با ریشه مسأله درگیر شوند. در این دیدگاه، سرمایه داری و تحولات آن به خصوص پس از جنگ جهانی دوم متغییر اصلی و مستقل محسوب می‌شود. اما پیران، دیالکتیک عوامل درونی و بیرونی یعنی تمرکز ذاتی سرمایه داری و فقدان تأسیسات زیر ساختی مناسب در فضای ملی که مانع پخش امکانات می‌شود را توأمأ موجب تمرکز فوق العاده می‌داند. در هر حال، وجود شهر مسلط در کشورهای جهان سوم و در نظام شهری آن، رشد سریع جمعیت بدون کنترل ارادی و شهری شدن سریع و ناهمگون را به دنبال دارد. این تمرکز به خصوص در پایتخت‌های کشورهای مذکور موجب پیدایش بازار غیر رسمی زمین و مسکن و تبع آن پیدایش مسکن ناپه‌نجر و سکونت‌گاه‌های خودرو خواهد شد. این نوع دسته بندی در مدارک دیگری که در خصوص حاشیه نشینی و دلایل آن به جستجو پرداخته‌اند، نیز استفاده شده است، با توجه به تحقیقاتی که تا کنون در خصوص حاشیه نشینی به انجام رسیده است، نظریات و تئوری‌هایی را در خصوص دلایل به وجود آمدن سکونت‌گاه‌های خودرو را به شکل زیر دسته بندی می‌کنند: ۱. نظریه‌هایی که سکونت‌گاه‌های خودرو پیامد ضروری گذار جوامع از مرحله سنتی به صنعتی می‌داند، از این رو حساسیت زیاد نسبت به آن را متناسب ندانسته و معتقد است که به مرور در مراحل تکامل جوامع و سرریز توسعه حذف خواهد شد. ۲. نظریه‌ای که سکونت‌گاه‌های خودرو را نتیجه رشد و گسترش نظام و روابط و مناسبات

سرمایه‌داری (چه در شکل مرکزی و چه پیرامونی یا وابسته) می‌داند. از این رو انقلاب صنعتی و شکل‌گیری و تحکیم نظام سرمایه‌داری در اجتماعات غربی نیز عامل اصلی پیدایش سکونت‌گاه‌های خودرو می‌باشد [۴].

خصوصیات کالبدی سکونت‌گاه‌های خودرو

بررسی منابع گوناگون حاکی از آن است که تعداد بی‌شماری از ساکنین شهرها، خصوصاً شهرهای بزرگ در کشورهای در حال رشد (جهان سوم) در سکونت‌گاه‌های خودرو زندگی می‌کنند. تحقیقی که توسط انستیتو منابع جهانی در سال ۱۹۹۰ انجام گرفته حدود چهل و دو درصد از کل جمعیت شهرنشینی جهان سوم را ساکن سکونت‌گاه‌های خودرو می‌داند [۴]. هر چند شکل‌گیری این گونه نواحی را عمدتاً می‌توان انتقادی بر استراتژی مدیریت رشد توسعه شهری نامید، اما در هر حال واقعیتی انکارناپذیر، موجود و ادامه‌دار است. این سکونتگاه‌ها به طور گوناگونی توصیف شده‌اند، تعاریف زیر از این دسته توصیف‌ها هستند.

- مناطق برخوردار فضایی بین شهر و منطقه‌اش، مناطق مسکونی بین قطب‌های شهری آماده شده مشخص، مناطق فقر، روستاهای کلان‌شهری، کمربند فقر، زاغه‌های یأس، مساکن ناپهنجار، مناطق نه شهری و نه روستا، مراکز سنتی برنامه ریزی نشده [۴]. واضح است که تفاوت‌های بسیاری در ترکیب، عملکرد، سیما و روحیه‌ی سکونت‌گاه‌های خودرو، خصوصاً با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر کشورهای مختلف مشاهده خواهد شد. برودر و همکارانش در خصوص حاشیه‌ی کلان شهرها، با توجه به خصیصه‌های زمانی و مکانی شکل‌گیری آن‌ها، چنین توصیفی را ارائه می‌کنند: «مرز بیرونی حاشیه‌ی شهری به عنوان حد نهایی ناحیه‌ی ساخته شده‌ی مرکزی کلان شهر تعریف شده بود. حاشیه آن طور که ما آن را تعریف می‌کنیم، شامل نواحی مسکونی همگن با عمری کمتر از پانزده سال خواهد بود.» وی تشخیص منظر حاشیه کلان شهرها را نیز با تفاوت کاربری‌های ارضی ممکن می‌داند [۵].

تعریف فوق تعریف مبتنی بر خصوصیات مربوط به محدوده‌ها می‌باشد. حاشیه کلان‌شهرها همچنین با خصوصیات کالبدی مختلفی که دارند توسط صاحب نظران گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. شکویی این مناطق را دارای خصوصیات زیر می‌داند [۶].

- منطقه واحدهای مسکونی رو به ویرانی و فرسوده با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها.
- تسلط فرهنگ فقر در منطقه.
- جدایی‌گزینی توده‌ای از مردم روستایی از جامعه شهری.
- شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام.
- گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری.
- مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه شهرها.
- ایجاد فضایی که در آن بسیاری از رفتارهایی که در فرهنگ حاکم جامعه ناهنجار و یا غیر عادی تلقی می‌شود در این مکان‌ها عادی است.

- وی اجتماع زاغه و آلونک شهری را دارای خصوصیات زیر می‌داند:
 - در برگیرنده مکان جغرافیایی مشخص اند. • منافع مشترکی ساکنین را به هم پیوند می‌دهند. • الگوهای مشترک بر روابط اجتماعی-اقتصادی ساکنین آن‌ها حاکم است. • تجانس گروهی و همبستگی نسبتاً بالایی، خاصه در مواجهه با مسائل مشترک و افراد خارج از اجتماع از خود بروز می‌دهند. • نهادهای خاص خود پدید آورده‌اند. • یکدیگر را کنترل می‌کنند.
 - دلیر، حاشیه نشینی را به شیوه‌ای از زندگی اطلاق می‌کند که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلاتی متفاوت بوده و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خاص خود بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آورد. آبرامز، کارشناس معروف مسکن از مفهوم زاغه‌ها و مناطق حاشیه نشین تعبیری به این شرح ارائه می‌دهد: ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی دیده می‌شود [۳]. پناهی از دیدگاه روسر عملکرد این گونه مناطق را چنین بر می‌شمرد [۷].

- سر پناه مجانی،
- محل پذیرش مهاجران،
- اشتغال در خانواده و صنایع خانگی،
- تحرک در شهر تا بتوانند به محل کارشان نزدیک تر باشند،
- احساس حمایت جامعه در سختی‌ها،
- تشویق سرمایه گذاران کوچک برای سرمایه گذاری در زاغه‌ها و اجاره دادن آن به مردم

۲-۶. خصوصیات اقتصادی و اجتماعی سکونت‌گاه‌های خودرو

در خصوص حاشیه‌نشینان، نظریات متفاوتی ارائه شده است و افراد مختلف با دیدگاه‌های گوناگون به موضوع توجه داشته‌اند و تعاریف متفاوتی با توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن‌ها بر شمرده‌اند که برخی از آن‌ها در این بخش مورد توجه قرار خواهد گرفت. این تعاریف در برخی موارد دارای مشترکاتی است و بعضاً نیز وجوه تمایز در دیدگاه‌ها قابل مشاهده است. قبل از ورود به بحث خصوصیات ساکنین سکونت‌گاه‌های خودرو بایستی توجه داشت که این تعاریف بر اساس قضاوت‌های بررسی کنندگان مطرح می‌شود و در بسیاری از موارد ممکن است با واقعیت‌های موجود قابل انطباق نباشد، همان گونه که «پرلمن» معتقد است سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای بیش از آن که در واقعیت مایوس کننده باشند در تصویر ما ناامید کننده به نظر می‌رسند [۸]. لکن همان طور که در مبحث مربوط به مشکلات عمده‌ی کلان شهرها آورده شده، معمولاً فقر و حاشیه نشینی مترادف با یکدیگر به کار می‌روند و در توجهات جدیدی که نسبت به این دو موضوع در جهان مرسوم شده نیز چنین عنوان می‌شود که اصلح است دیدگاه‌های بررسی کنندگان نسبت به مشکلات گروه‌های درگیر با توجه بیشتر به واقعیت‌های موجود، تعدیل شود و نگرش گروه درگیر نیز مورد توجه قرار گیرد. «آتال» در مقاله‌ای تحت عنوان «درگیر ساختن مردم فقیر» می‌نویسد: فقر می‌تواند به یک «شیوه زندگی» و یک «فرهنگ» مبدل شود و مردمی که با این فرهنگ زندگی می‌کنند شاید تا زمانی که در معرض شرایط دیگری که نسبتاً توأم با رفاه باشد، قرار نگرفته باشند و شروع به مقایسه نکنند، فشار فقر را احساس نکنند [۸]. به عبارت دیگر شاید بتوان گفت: برداشت گروه‌های بررسی کننده از سکونت‌گاه‌های خودرو و ساکنین آن هابه مثابه ی قضاوتی از خارج است، لذا می‌تواند بررسی‌کنندگان را دچار سوء تفاهم کند. از این رو، گروهی معتقدند که نگرش یک سوبه‌ای که از جانب برنامه ریزان به مسأله‌ی اسکان غیر رسمی شده، مسائل اصلی را در سایه‌ای از ابهامات و تعصبات مورد بی‌توجهی قرار داده است و موجب بروز سوء تفاهماتی شده است. در اینجا، به نظریاتی که در خصوص ساکنین سکونت‌گاه‌های خودرو در منابع مختلف ارائه شده اشاره می‌شود. زاهدانی، مفهوم حاشیه نشینی را به معنای اعم، شامل تمام کسانی می‌داند که در محدوده‌ی اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهر نشده‌اند. جاذبه ی شهر و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و ایشان اکثراً مهاجران روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند [۹]. همان گونه که ملاحظه می‌شود در این تعریف محدوده‌ی کالبدی، مدنظر نبوده بلکه ورود به محدوده اقتصادی و جذب به سوی مناطق اشتغال مدنظر می‌باشد. به عبارت دیگر دلایل اقتصادی و نیز گذراندن زندگی بهتر با استفاده از خدمات رفاهی موجود در شهرها، از دلایل مهاجرت و به تبع آن حاشیه نشینی می‌باشد. درکوش، لغت حاشیه‌نشین را به کسی اطلاق می‌کند که در شهر سکونت دارد ولی به دلایل گوناگون نتوانسته است جذب چرخه اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. وی معتقد است گر چه ریشه ی اصلی حاشیه نشینی را باید در عواملی که موجب مهاجرت افراد از روستا به شهر می‌شود جستجو کرد، ولی تمام حاشیه نشینان از مهاجرین تشکیل نشده‌اند، بلکه بخشی از آنان افرادی هستند که از ساکنین همیشگی شهر بوده‌اند، ولی به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیر استاندارد زندگی می‌کنند و جزء حاشیه نشینان محسوب می‌شوند [۹]. از نقاط اشتراک دو تعریف فوق می‌توان عدم جذب ساکنین سکونت‌گاه‌های خودرو را به اقتصاد شهری بر شمرد که زاهدانی و درکوش، مشترکاً بر آن تأکید دارند. علاوه بر آن «درکوش» تنها مشخصه‌ی مهاجرین را ریشه‌ی روستایی نمی‌داند و گروهی از آن‌ها را از فراقکننده

شدگان زندگی شهری بر می‌شمرد. پیران، خصوصیات ساکنین سکونت‌گاه‌های خودرو را از ابعاد مختلف چنین توصیف می‌کند: مفهوم (Squatter) از نظر لغوی، ساکنین مسکن‌های نابهنجار را در بر می‌گیرد و به شخصی اطلاق می‌شود که بدون اجازه بر زمین افراد دیگر یا موسسات و دولت‌ها سرپناهی در مدت کوتاهی (یک شبه) بر پا کند و در آن سکنی گزیند [۹]. وی مشتریان زمین‌ها در حاشیه شهرها را افرادی می‌داند که:

- توان مالی ورود به بازار رسمی زمین و مسکن را ندارند
- به سختی طالب سرپناه هستند
- آماده‌ی پذیرش خطرات دریافت زمین به شکل غیرقانونی هستند.

همچنین پیران از نظر اقتصادی، مفهوم «انسان حاشیه‌ای» را مربوط به تحولات صنعتی و رشد تکنولوژی می‌داند و معتقد است انسان حاشیه‌ای مفهومی است برگرفته از مفهوم کارگران حاشیه‌ای که در حاشیه‌ی اقتصاد سرمایه داری به مشاغل پارازیت روی می‌آورند و این مشاغل نه با ثبات شغلی همراه هستند و نه با دستمزد معین و مرتب. از دیدگاه وی، انسان حاشیه‌ای از نظر اقتصادی دارای خصایص زیر است: ۱. بیکار یا بیکار پنهان، ۲. فاقد درآمد ثابت، ۳. معمولاً دارای پایین‌ترین گروه درآمدی شهری [۴]. پیران، از نظر فرهنگی حاشیه‌نشینان را شخصیت‌هایی می‌داند که از حاصل برخورد با پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم ظهور می‌کنند. وی معتقد است چنین موجود دورگه‌ای به طور هم‌زمان نسبت به هر دو نظام فرهنگی احساس تعلق و بستگی دارد و در عین حال خود را نسبت به هیچ کدام کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند. در تعاریف پیران نوعی مثبت نگری نسبت به حاشیه‌نشینان قابل مشاهده است. وی بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی آن‌ها از لحاظ نوع مشاغل و نیز مسائل مالی مسکن توجه دارد. در تعریفی که پیران از (Squatter) ارائه می‌دهد، ایشان را ساکنین مسکن نابهنجار می‌نامد، (همان) که بررسی آن خود نیازمند ارائه تعریفی مناسب از مسکن هنجار و واکاوی در پژوهش‌های دیگر خواهد بود.

۳. روش مقابله با سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای و فقیرنشین شهری:

۳-۱. بهسازی محله‌های فقیرنشین، موفق‌ترین روش

بررسی‌های انجام شده در این زمینه، به افزایش تقاضا و حمایت از طرح‌های بهسازی محله‌های فقیر شهر تأکید می‌کنند. در بسیاری از کشورها از لحاظ اداری، تغییرات و تحولاتی در سطح ملی و محلی به وجود آمده و مسئولیت‌های مهم‌تری برای فراهم کردن خدمات شهری شکل گرفته است. اکنون مقامات محلی می‌توانند به گونه‌ای مؤثرتر به نیازهای جمعی شهر پاسخ گویند و در این زمینه، اختیارات بیشتری دارند. آن‌ها نسبت به سرنوشت محله‌ها و افزایش ساکنان آن‌ها علاقه مندر هستند. امروزه بخش‌های غیر دولتی. همکاری مؤثرتری با دولت به عمل می‌آورند و جوامع فقیر نیز از نظر رشد سیاسی به حدی رسیده‌اند که تمایل به پرداخت هزینه برای بهبود بخشیدن به سرویس‌های اساسی را داشته باشند. این مسأله نیز روشن است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه اختلاف بین فقرا و ثروتمندان در حال افزایش است. فقدان خدمات پایه شهری باعث گردیده که سلامت و امنیت عمومی جامعه به مخاطره افتد. بدین لحاظ برنامه‌های بهسازی شهری بیشترین اولویت را یافته‌اند [۲]. سکونت‌گاه غیر رسمی یا غیرقانونی در واقع منطقه‌ای مسکونی است که بدون مطالبه قانونی برای دریافت زمین و یا اجاره از سوی مقامات ذی‌ربط برای ساختن خانه شکل گرفته است. سرویس‌ها و خدمات و تسهیلات زیربنایی در این شکل غیرقانونی ساخت و ساز مناسب و ناکافی است. اغلب ساکنان سکونت‌گاه‌های غیر رسمی جزء طبقات پایین جامعه‌اند و درآمد چندانی هم ندارند. آن‌ها یا به صورت کارگر و روزمزد و یا در بخش‌های غیر رسمی کار می‌کنند و با وجود کار طاقت فرسا حداقل دستمزد را می‌گیرند. گام نخست بهسازی محله‌های فقیرنشین و زاغه‌ها انتقال مالکیت زمین به اشتغال‌کنندگان غیرمجاز زمین هاست آن هم با قیمتی که آن‌ها قادر به پرداخت و خرید زمین باشند. دادن حق مالکیت باعث می‌گردد که

آن‌ها برای بهبود شرایط زندگی شان خود اقدام کنند و سه تا چهار برابر آن چه دولت سرمایه گذاری می‌کند، هزینه کنند [۱۰].

۴. جمع بندی و رهیافت‌ها

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که با اسکان غیررسمی و بدون مجوز گروه بزرگی از مردم در مکانی در کناره شهرها ایجاد می‌شود. حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران به صورت شهرک‌نشینی در حومه شهرها و همچنین آلونک‌نشینی دیده می‌شود. شهرک‌های حاشیه‌نشینان در اصل «روستای شهر» با «شهرک‌های روستاگونه درون شهر» هستند. از طرفی حاشیه‌نشینی محصول روابط ناعادلانه اقتصادی میان اقشار اجتماعی است؛ وجه مشترک تمامی حاشیه‌نشینان شهری فقر اقتصادی و محرومیت اجتماعی است. در واقع حاشیه‌نشینان نقش مهمی در تولید ناخالص ملی به عهده دارند و بدون تحمیل هزینه‌ای بر دولت‌ها از طریق خود اشتغالی به طور غیر مستقیم به اقتصاد کشورهاشان کمک می‌کنند. نکته مهم آن است که اسکان غیررسمی لزوماً با جرم و جنایات همراه نیست و بسیاری از تهیدستان شهری نیازمند یاری اند. رهیافت‌های ذیل در سطح کلان و خرد برای بهبود شرایط زیستی و جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی پیشنهاد شده است: توزیع عادلانه ثروت، درآمد و قدرت، میان تمامی شهروندان در سطح ملی و کاهش افتراق‌های مکانی و تفاوت‌های منطقه‌ای از طریق برنامه ریزی فضایی؛ توانمند سازی حاشیه‌نشینان در برآورده ساختن نیازهایشان از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی؛ هدایت و آموزش دانش فنی و تشویق آنان به مشارکت در عمران و بهسازی محله‌های حاشیه‌نشین. در همین راستا راهکارهای مفید در زمینه کالبد و فضای سبز برای بهبود وضعیت فعلی ارائه می‌شود.

۴-۱. راهکارهای پیشنهادی

۴-۱-۱. فضای سبز

هدف: حفظ ویژگی‌های طبیعی و ارتقاء کیفیت محیطی هماهنگ با اهداف توسعه پایدار.

سیاست: بهسازی توزیع متناسب فضای سبز در محدوده.

تبدیل فضاهای سبز عمومی به فضای شهری زنده و پویا.

جلوگیری از نفوذ آلودگی‌های صوتی به داخل بافت.

ایجاد تنوع در کاربری فضای سبز بر اساس نیازهای اقشار مختلف و ایجاد پارک‌ها با امکانات مختلف.

۴-۱-۲. کالبدی

هدف: ارتقاء کیفیت کالبدی محدوده جهت رسیدن به شکل مطلوب، با توجه به هویت و پیشینه تاریخی

سیاست: استفاده از ابنیه تاریخی، بازسازی جهت فعالیت‌های فرهنگی و سامان‌دهی کالبدی فعالیت‌های اصلی، استفاده از اراضی بایر در جهت جبران کاستی‌های موجود، حفظ و احیاء بافت‌های قدیمی، با توجه به هویت تاریخی و فرهنگی، توجه به خطوط زلزله و گسل و رعایت استانداردهای پایداری و امنیتی در ساخت و ساز، استفاده از روش توانمند سازی به منظور بالا بردن کیفیت کالبدی بافت خودرو، ایجاد گذرها و نقاط مکث و هویت بخش در بافت و فضاهای شهری متناسب با ساختار کلی بافت جدید، ایجاد همگونی در بافت از لحاظ کالبدی و اجتماعی.

راهکار: تشویق مالکین به بازسازی و مرمت ساختمان‌های کلنگی قدیمی با کیفیت مطلوب و ترغیب صاحبان ساختمان‌های کلنگی به نوسازی متناسب با بافت موجود؛ تجمیع واحدهای مسکونی با دانه بندی ریز در بافت قدیمی؛ صدور مجوز برای ساخت و ساز با توجه به تناسب توده، فضا، تراکم و هماهنگ با بافت موجود؛ توزیع امکانات بازسازی و بهسازی میان مردم بافت خودرو به صورت تجمیع و استفاده از مصالح مناسب و بناسازی در بهسازی بافت توسعه خود مردم؛ احیا و تقویت کوچه باغ‌ها به عنوان عناصر هویت بخش محله، عدم صدور مجوز برای تبدیل باغ‌های بافت به ساختمان‌های بلند و تشویق صاحبان به احیاء و بازسازی خانه - باغ‌ها؛ هماهنگ ساختن بافت اطراف با ساختمان‌های مناسب موجود.

منابع و مآخذ

۱. حاتمی‌نژاد، حسین؛ «اسکان غیر رسمی در جهان»، ماهنامه شهر داری‌ها، شماره ۵۰، تهران، تیر ماه ۱۳۸۲.
۲. قاسمی خوزانی؛ «اسکان غیر رسمی و بهسازی محله‌های فقیر نشین شهری»، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۵، تهران، بهمن ۱۳۸۱.
۳. داوود پور، زهره؛ کلان‌شهر تهران و سکونت‌گاه‌های خودرو، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهر سازی و معماری، تابستان ۱۳۸۴.
۴. پیران، پرویز؛ «آلونک نشینی در ایران»، بخش پایانی، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌های ۹۵ و ۹۶.
۵. داوود پور، زهره؛ «سکونت‌گاه‌های نامتعارف»، پیامد بر نامه ریزی ناکارا، گفتگو با ماهنامه شهر داری‌ها، شماره ۳۹، تهران ۱۳۸۱.
۶. شکویی؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد ۱، تهران: سمت، ۱۳۷۳.
۷. پناهی، سیامک؛ «معماری لمپن»، کیچ، ماهنامه آباد بوم، شماره ۷، کرج، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۸. نقی زاده، محمد؛ «رابطه هویت با مدر نیسم»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۷، ۱۳۷۹.
۹. احمدی ترشیزی، میترا؛ شهر پایدار: شناسایی مکانیزم‌های بر قرارکننده تعادل زیستی در ساختار کالبدی، پایان نامه کار شناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، تهران ۱۳۷۷.
۱۰. پارسا پزوه، سپیده، ما، آن‌ها؛ /تنوگرافی یک تردید، مروری انسان‌شناختی بر هویت جمعی در محله‌ای حاشیه‌ای: اسلام‌آباد کرج، تهران: نشر قصه، ۱۳۸۴. صص ۶۵ تا ۷۰.